

حقیقت و محتوا: دستورات 9 و 10

خروج 16:20-21

خطبه 20 مارس 2022

کشیش کریس سیکس

مقدمه

ما امسال در حال مطالعه تعلیمات شهر جدید هستیم زیرا خلاصه ای عالی از حقایق اصلی ایمان مسیحی است. امروز به بررسی سوال 12 می پردازیم. در بولتن خود خواهید دید که به زبان های مختلف چاپ شده است. من سوال را می خوانم و سپس پاسخ را با هم می خوانیم.

سوال 12: خداوند در فرمان نهم و دهم چه خواسته است؟

نهم اینکه دروغ نگوئیم و فریب ندهیم، بلکه با عشق راست بگوئیم.

دهم اینکه ما راضی باشیم و به کسی حسادت نکنیم و از آنچه خداوند به آنها و ما داده است رنجیده باشیم.

بیا بید به خواندن کتاب مقدس امروز نگاه کنیم. من فرمان 9 و 10 را از خروج 20 خواهم خواند، و همچنین خواهم خواند که مردم پس از شنیدن صحبت مستقیم خدا با آنها، چگونه واکنش نشان دادند. اکنون کلام خداوند را بشنوید.

خروج 16:20-21

۱۶ «نباید بر علیه همسایه خود شهادت دروغ بدهید.

17 «در خانه همسایه خود طمع نداشته باش، به زن همسایه خود، خدمتکار مرد یا زن، گاو یا الاغ یا هر چیز دیگری که متعلق به همسایه خود است، طمع مکن.»
18 وقتی مردم صدای رعد و برق و صدای بلند بوق قوچ را شنیدند، و چون رعد و برق و دود را دیدند که از کوه بلند می‌شد، از دور ایستادند و از ترس می‌لرزیدند.

19 و به موسی گفتند: «تو با ما صحبت کن و ما گوش خواهیم کرد. اما اجازه نده که خدا مستقیماً با ما صحبت کند وگرنه خواهیم مرد.»
20 موسی به آنها گفت: «نترسید، زیرا خدا به این طریق آمده است تا شما را بیازماید و ترس از او شما را از گناه باز دارد.»
21 وقتی مردم در دوردست ایستاده بودند، موسی به ابر تاریکی که خدا در آن بود نزدیک شد.

با هم اشعیا باب ۴۰ آیه ۸ را می‌خوانیم:

”چمن‌ها پژمرده می‌شوند، گل‌ها کمرنگ می‌شوند، اما کلام‌خداي ما تا ابد پابرجا خواهد ماند.“

بیا با هم دعا کنیم

پدر، لطفاً روح القدس را بفرست تا در حین موعظه به من حکمت و حقیقت بدهد. لطفاً قلب و ذهن ما را به روی حقیقت خود باز کنی تا بتوانیم شما را در هر کاری که انجام می‌دهیم تجلیل کنیم. ما این را به نام خداوند ما عیسی می‌خواهیم.
آمین

هفته گذشته درباره این حقیقت بحث کردیم که دستورات خداوند شامل «آن کار نکن» و «این کار را نکن». فرمان هشتم به ما می‌گوید «دزدی نکن». با این حال، خدا از ما انتظار دارد که بیشتر از اجتناب از گناه انجام دهیم. از آنجا که ما به صورت نیک او آفریده شده ایم، به نیکی و دوری از بدی فرا خوانده شده ایم.

اطاعت با انگیزه ترس بر اجتناب از گناه متمرکز است، زیرا “نباید دزدی کنید”. اما اطاعت با انگیزه عشق بر انجام کار خیر متمرکز است. عشق می‌گوید: من از همسایه ام دزدی نمی‌کنم. و چون می‌خواهم همسایه‌ام شاد و امن باشد، آنچه را که نیاز دارد به او می‌دهم. من سعی خواهم کرد راه‌هایی برای برکت او و سخاوتمندی پیدا کنم.”

این امر در مورد فرمان نهم و دهم نیز صادق است. بنابراین امروز در مورد این صحبت خواهیم کرد که چرا دروغ گفتن اشتباه است و چرا خوب است که حقیقت را در عشق بگوییم. در مورد اینکه چرا طمع کردن اشتباه است و چرا خوب بودن راضی بودن صحبت خواهیم کرد.

نکته 1. حقیقت را در عشق بگویید.

نکته 2. به آنچه خداوند به ما داده راضی باشیم.

نکته 1. حقیقت را در عشق بگویید.

در افسسیان 4: 15، پولس رسول ما را تشویق می‌کند که “حقیقت را با محبت بگوییم و از هر جهت بیشتر و بیشتر شبیه مسیح شویم...” آیا در آن آیه ارتباط بین صداقت و شخصیت مسیح را می‌بینید؟ خدا حقیقت است. وقتی حقیقت را می‌گوییم، بیشتر شبیه عیسی می‌شویم.

در یوحنا 14:6 عیسی گفت: «من راه و حقیقت و حیات هستم. هیچ کس جز به وسیله من نزد پدر نمی آید.»

آن را با یوحنا 8:44 مقایسه کنید. در آنجا عیسی گفت: «شیطان همیشه از حقیقت متنفر بوده است، زیرا در او حقیقتی وجود ندارد. وقتی او دروغ می گوید، با شخصیت او سازگار است، زیرا او دروغگو و پدر دروغ است.»

عیسی حقیقت را آشکارا و واضح به ما می گوید زیرا ما را دوست دارد. او می خواهد ما بفهمیم که دو راه پیش روی ماست. ما می توانیم راه حقیقت و عشق و یا راه دروغ و نفرت را انتخاب کنیم.

ساده و آسان به نظر می رسد، درست است؟ اینطور نیست، زیرا شیطان پدر دروغ است. و چون گناه در دل داریم، اغلب راه اشتباه را انتخاب می کنیم. و این به ما و دیگران صدمه می زند.

آیا متوجه شده اید که همه 10 فرمان در مورد روابط هستند؟ به همین دلیل است که فرمان نهم می گوید: «بر همسایه خود شهادت دروغ مباحث». نمی گوید: «دروغ نگو». زیرا دروغ و طمع هر دو به روابط آسیب می زند.

چهار فرمان اول در مورد داشتن رابطه خوب عمودی با خدا است. شش فرمان دیگر در مورد داشتن روابط خوب با مردم است. رابطه ما با خدا حرف اول را می زند، زیرا یاد می گیریم چگونه با دریافت محبت خدا، دیگران را دوست بداریم. خدا عشق است. اگر خدا را نشناسیم عشق را نمی شناسیم. اگر خدا را نشناسیم، نمی دانیم چگونه در حقیقت قدم برداریم.

آیا هیچ وقت گفتن چیزی که درست نیست اشکالی ندارد؟ بله، چند نمونه از این وجود دارد. شاید به یاد داشته باشید زمانی که فرعون به ماماها ی یهودی دستور داد تا همه نوزادان پسر در مصر را بکشند؟ این یک دستور شیطانی بود. نافرمانی آن زنان از فرعون درست و خوب بود. زنها ناصداق بودند، درست است. اما انگیزه آنها عشق به خدا و عشق به همسایه بود. فرمان نهم را زیر پا نگذاشتند.

یک دروغ گناه آلود چیزی است که ما می گوئیم یا انجام می دهیم تا عمداً به همسایه خود صدمه بزنیم. اگر در برابر ظلم یا بدی سکوت کنیم، گناه نیز هست. ما وقتی حقیقت را کتمان می کنیم نهمین فرمان را می شکنیم. می دانم گاهی صحبت کردن می تواند ترسناک یا خطرناک باشد. همه ما می خواهیم از خود محافظت کنیم. اما وقتی همسایه مان مورد آزار و انیت قرار می گیرد، نمی توانیم ساکت بمانیم، وگرنه شر ادامه خواهد یافت.

شر وجود دارد زیرا ما خودمان را بیشتر از همسایگانمان دوست داریم. به همین سادگی است. گناه نتیجه عشق ورزیدن بیش از حد به خود است. گناه برای نجات پوست خودم حقیقت را پنهان می کند.

سین به همسایه ام می گوید: من آنچه را که داری می خواهم، از تو می گیرم. و گناه به خدا می گوید من می خواهم هر کاری که می خواهم بکنم پس اگر قوانین تو را سد راهم کرد نادیده می گیرم.

دوست داشتن خود و مراقبت از خود اشتباه نیست. شما به شکل خدا آفریده شده اید و این درست است که مراقب جسم و جانی باشید که خدا به شما داده است. اما عشق به خود بیش از حد توسعه یافته سعی می کند با دروغ از آبروی ما محافظت کند یا زندگی ما را پر از امکانات رفاهی و مادی کند.

هفته گذشته من پیشنهاد کردم که یکی از راه های جلوگیری از گناه ممکن است دوری از مردم باشد. شما می توانید مانند این مرد، تنها در یک جزیره، دور از هر کسی باشید. آیا به نظر شما اطاعت از فرمان "نباید قتل" برای او دشوار است؟ البته که نه. هیچ کس در جزیره نیست که بتواند او را بکشد.

اما به محض اینکه همسایه ای دارم، در خطر شکستن 10 فرمان هستم زیرا همه آنها با روابط سروکار دارند. فرمان دهم نمی گوید: "نباید به خانه خوب طمع کنی." می گوید: "نباید به خانه همسایه طمع کنی." فکر می کنم این زمان خوبی است تا در مورد نکته بعدی صحبت کنیم.

نکته 2. به آنچه خداوند به ما داده راضی باشیم.

آیا دقت کرده اید که ما همیشه خودمان را با دیگران مقایسه می کنیم؟ ما خودمان را به دو روش مختلف با دیگران مقایسه می کنیم. وقتی به قداست و خوبی خود فکر می کنیم، خود را با افرادی مقایسه می کنیم که بدتر از ما به نظر می رسند. می گوئیم بله، من با عصبانیت و خودخواهی مشکل دارم، اما مثل آن آدم مست نیستم. یا می گوئیم: «درست است که گاهی اوقات دروغ های کوچکی می گویم، اما من یک مسیحی هستم که به کلیسا می روم. آن زن حتی به خدا هم اعتقاد ندارد.»

وقتی قداست را با هم مقایسه می کنیم به مردم از بالا نگاه می کنیم. اما وقتی به دارایی های مادی فکر می کنیم به بالا نگاه می کنیم. می گوئیم: «کاش من هم مثل آن شخص خانه بزرگتری داشتم. امیدوارم روزی ماشین خوبی داشته باشم که او رانندگی می کند، یا آن جواهرات زیبا.» قلب گناهکار ما نسبت به سطح قدوسیت ما احساس خوبی دارد و از سطح رفاه ما ناراحت است.

زمانی را به یاد دارم که یک هوندا سیویک 20 ساله داشتم. ماشین خوبی بود ولی مشکلات زیادی داشت. تهویه هوا کار نمی کرد، صندلی ها پاره شده بودند و برف پاک کن ها درست کار نمی کردند. اینجوری گیر میکردن

یک روز در باران شدید با ماشین به سر کار می رفتم. من از آن برف پاک کن ها در هوندا ناامید شدم. من شروع به رویاپردازی در مورد یک ماشین جدید کردم. احساس کردم لایق چیز جدیدی هستم. از این که مجبور شدم با چنین آشغال قدیمی رانندگی کنم ناراحت بودم.

و سپس، همانطور که پشت چراغ قرمز نشستم، به آن طرف نگاه کردم و زنی را دیدم که در ایستگاه اتوبوس ایستاده بود. با یک روزنامه ایستاد تا سرش را بپوشاند در حالی که باران سرد روی او می بارید.

فوراً برای قلب حریصم احساس گناه کردم. من ناگهان بسیار بسیار سپاسگزار ماشینم بودم. آن هوندا گرم و خشک بود. ماشین من یک نعمت بزرگ از جانب پروردگار بود.

چه چیزی تغییر کرد؟ همان ماشین را می راند. اما من به جهت دیگری نگاه کردم. وقتی به ماشین های جدید و زیبایی اطرافم نگاه می کردم، آرزوی یک ماشین جدید را داشتم. وقتی خودم را با افراد بالای سرم که ماشین های زیباتری داشتند مقایسه کردم، فکر کردم خدا بی انصاف است.

اما بعد خودم را با زنی که زیر باران ایستاده بود مقایسه کردم. به کسی که کمتر از من داشت نگاه کردم و ناگهان متوجه شدم که خداوند نسبت به من سخاوتمند و مهربان است.

دوستان ما بین حرص و قدردانی یک انتخاب داریم. من این نقل قول را خیلی دوست دارم.

”دوره برای رسیدن به اندازه کافی وجود دارد.

یکی این است که به انباشت بیشتر و بیشتر ادامه دهید.

دیگر این است که کمتر آرزو کنیم.»

(جی کی چستر تون)

واقعاً به چه چیزی نیاز دارید که امروز ندارید؟ در بخش هایی از جهان افرادی هستند که با گرسنگی، بی خانمانی و فقر شدید دست و پنجه نرم می کنند. اما ما در یک شهرستان ثروتمند در یک کشور ثروتمند زندگی می کنیم. بله، مردم اینجا گاهی اوقات با مشکل روبرو می شوند. اگر غذای کافی ندارید، یا جایی برای خواب ندارید، باید به من بگویید. هیچ کس در بدن مسیح نباید بدون نیازهای اولیه خود زندگی کند. ما در اعمال رسولان فصل 2 و فصل 4 به وضوح می بینیم که مسیحیان باید از یکدیگر مراقبت کنند. بنابراین، هیچ کس در این کلیسا هرگز گرسنه نمی ماند، بی خانمان نمی شود یا در زمستان بدون کت گرم نمی ماند. شما فقط باید به من یا یکی از رهبران دیگر در کلیسا بگویید، و ما مطمئن خواهیم شد که آنچه را که نیاز دارید داریم.

پس باز هم از شما دوستان عزیز و فرزندان خدا می پرسم آیا واقعاً به چیزی نیاز دارید که خداوند آن را فراهم نکرده باشد؟ او با ما سخاوتمند بوده است! او آنچه را که ما نیاز داریم فراهم کرده است. او همچنین چیزهای زیادی را که ما می خواهیم فراهم کرده است. این درست نیست؟ ما به تلفن همراه، تلویزیون، پنج جفت کفش و چیزهای دیگر که در بسیاری از نقاط جهان تجمعاتی محسوب می شوند، نیاز نداریم. اما فکر می کنیم بیشتر و بیشتر نیاز داریم.

زیرا ما در کشوری زندگی می کنیم که ماتریالیسم بر آن حاکم است. این یکی از ادیاتی است که با مسیحیت در ایالات متحده رقابت می کند. ماتریالیسم انجیل خبر خوب را در امور موعظه می کند. وعده انجیل مادی گرایی این است که اگر جدیدترین تلفن و ماشین واقعاً زیبا و زیباترین لباس را داشته باشید، واقعاً خوشحال خواهید شد.

آیا تا به حال واقعاً در مورد گرفتن چیز جدیدی مانند رایانه یا تلفن هیجان زده شده اید؟ شما همیشه به آن فکر می کنید. شما نمی توانید صبر کنید تا آن را در دستان خود نگه دارید. سپس، پس از اینکه یک یا دو هفته جسم جدید خود را دریافت کردید، هیجان از بین می رود. این فقط یک چیز دیگری است که شما صاحب آن هستید و قلب شما شروع به جستجوی چیز بعدی می کند که می خواهید.

تبلیغات به ما می گویند که ما سزاوار بیشتری هستیم و اگر این محصول را بخریم یا این غذا را بخوریم، رضایت قلب خود را پیدا خواهیم کرد. دین مادی گرایی به ما دروغ می گوید نهمین فرمان را می شکنیم تا فرمان دهم را بشکنیم!

جامعه 5: 10-11 این گونه می گوید:

“10 کسانی که پول را دوست دارند هرگز به اندازه کافی نخواهند بود. چقدر بی معنی است که فکر کنیم ثروت باعث خوشبختی واقعی می شود!

11 هر چه بیشتر داشته باشید، افراد بیشتری برای خرج کردن آن به شما کمک می کنند. پس ثروت چه فایده ای دارد، مگر اینکه ببینی از میان انگشتانت می لغزد!»

دل خدا را می شکنند که ببینند ما به جای او به دنبال مادیات هستیم. نکته اینجاست: شکستن فرمان دهم با شکستن فرمان اول و دوم گره خورده است.

احکام 1 و 2 این را در خروج 20: 3-4 می گوید.

3 «شما نباید خدای دیگری جز من داشته باشید.

4 «برای خود هیچ بت یا تصویری از هیچ چیز در آسمان یا زمین یا دریا نسازی.»

اگر دلم آنچه را که دیگری دارد بخواهد، در حق او گناه می کنم که چیزهای او را می خواهم. اما به خدا هم گناه می کنم چون ناسپاسی می کنم. اگر بخواهم بیش از آنچه خدا داده است داشته باشم، نشان می دهد که از نعمت های خدا راضی نیستم. آیا تا به حال به خود گفته اید: "یک روز که این را داشته باشم، آن وقت واقعا خوشحال خواهم شد." یا شاید فکر کرده اید، "تا زمانی که آن را به دست نیآورم، راضی نخواهم شد."

وقتی برای شادی و رضایت ما به چیزی غیر از خدا امید بسته، در خطر زیر پا گذاشتن احکام 1 و 2 و 10 قرار می گیریم. راه حل همه اینها چیست؟ چگونه از دروغ گفتن به خود و همسایه خود دست برداریم؟ چگونه از دام مادی گری فرار کنیم و یاد بگیریم که از نعمت های خدا راضی باشیم؟

من فکر می کنم راحل هر دوی این چالش ها این است که همیشه به خیر خدا اعتماد کنیم. شاید شما وسوسه شده اید که در یک امتحان در مدرسه تقلب کنید. یا شاید برای محافظت از شغل یا شهرت خود دروغ گفته اید. اما اگر استراحت کنید و به خیر خدا اعتماد کنید، می توانید صادق باشید و در امتحان مردود شوید. شما می توانید حقیقت را در محل کار بگویید، حتی اگر باعث اخراج شما شود. زیرا می دانید که خداوند حق است و به کسانی که در حقیقت راه می روند برکت می دهد.

و هنگامی که ما توسط مادی گرایی وسوسه می شویم، باید به یاد داشته باشیم که داشتن وسایل هرگز قلب ما را راضی نمی کند. این کشور همیشه به ما می گوید چیزهای بیشتری بدست آوریم و بدست آوریم. اما دل خدا می دهد و می دهد. همانطور که یوحنا 3:16 می گوید: "زیرا خدا جهان را چنان محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نشود بلکه حیات جاودانی داشته باشد."

خدای پدر گرانبهاترین هدیه جهان را به ما داد. خدا مایل بود که بدن و خون پسر عزیزش را به ما بدهد. عیسی فقط گناه، شرم و مرگ ما را از ما می گیرد. اما وقتی به مسیح اعتماد می کنیم، او به ما امید تازه، ارزش های جدید، زندگی جدید می دهد. خدا با ما خیلی خوب بوده دوستان. به همین دلیل است که عیسی از ما دعوت می کند که راضی باشیم.

به آنچه عبرانیان 13: 5-6 می گوید گوش دهید:

5 پول را دوست نداشته باش، به آنچه که داری راضی باش، زیرا خداوند گفته است: "من هرگز تو را ناامید نخواهم کرد. من هرگز تو را رها نخواهم کرد."

6 پس می توانیم با اطمینان بگوییم: «خداوند یاور من است، پس ترسی نخواهم داشت.»

خداوند یاور ماست دوستان من. ما می توانیم در هر موقعیتی، بدون ترس به او اعتماد کنیم. حالا برایش دعا کنیم

پدر بهشتی، از تو متشکریم که عیسی را فرستادی تا بتوانیم حقیقت را در او آشکار کنیم. به ما کمک کنید حقیقت انجیل را با قلب خود بیان کنیم و آن را با عشق با دیگران به اشتراک بگذاریم. روح القدس، ما از تو می خواهیم چیزهایی را که در قلبمان آرزو مندیم، آشکار کنی. به ما نشان دهید که چه چیزهایی را بسیار ارزشمند می دانیم، تا بتوانیم آن چیزها را کنار بگذاریم. لطفاً این کار را برای خیر ما و جلال خود عیسی انجام دهید.

آمین